

دو فصل‌نامه علمی پژوهش‌نامه فرهنگ و زبان‌های باستانی
سال دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۲۴۷-۲۷۲
مقاله علمی-پژوهشی

از سگبیت تا هگمتان؛ شاه‌شهرهای مادی

سورنا فیروزی*

زهره جوزی**

محمدامین سعادت‌مهر***

چکیده

زمانی که شمش‌ی-داد پنجم، شاه قدرتمند آشور و جانشین شلمانسر سوم از پس طغیان برادر خود برآمد، جهانی از مردمان و سکونت‌گاه‌های شرقی تازه‌ای پیش روی او و سپاهش ظهور کرد. از میان این مردمان، مادی‌ها و شهر شاهانه آن‌ها، سگبیت، یکی از جالب‌ترین سرنوشت‌های رزمی در تاریخ غرب فلات ایران را رقم

* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوره تاریخی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده

مسئول) Sorena.firouzi@gmail.com

** استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

jozi@hamoon.usb.ac.ir

*** دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوره تاریخی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

ma.saadatmehr@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۱۷

زده‌اند. شاه آشور با پیروزی بر این شهر، توانست بر قلمروی بزرگی دست یابد و بدین روی، پس از پدر خود، پایه‌گذار عصر تاراج مردمان مادی در دو سده آینده گردد. این که بر سر شهر شاهانه و متعلق به سده نهم پیش از میلاد سگبیت چه آمد و آیا ارتباطی میان آن و اکباتانا در متون یونانی و هگمتان یا هگمتانه در کتیبه داریوش اول در بیستون برقرار است یا خیر، هدفی است که این پژوهش در پی آن است. همچنین رابطه میان محتوای تاریخی و اساطیری متون مرتبط با پیدایی این شهر، موضوعی است که این پژوهش به آن پرداخته است. مقاله پیش‌رو نشان می‌دهد که گرچه از منظر جغرافیایی، میان سگبیت و بیت-ساگبات با هگمتان، مشابهتی وجود ندارد، اما نام و یاد آن دو و نیز نزدیکی حدود جغرافیایی آن، پدیدارگر هگمتان یا اکباتانا در سده بعدی شد.

واژگان کلیدی: ماد؛ هگمتانه؛ باستان‌شناسی اساطیر؛ آشور؛ سگبیت.

۱- مقدمه

«شمشی-آدد پنجم»^۱ در لشگرکشی سوم خود، از «رود زاب»^۲ و «کوه کولار»^۳ گذشت و اندرون سرزمین «نئیری»^۴ شد. او سرزمین‌های بسیاری را گرفت و مردمانش را گرفتار خود کرد که از جمله آن‌ها می‌توان به «پرسوا»^۵ و «من»^۶ اشاره کرد. در پی این تازش، بسیاری از مردمان ناچار به ترک سکونت‌گاه‌های مرتفع خود شدند، شماری از میان رفتند و باقی نیز به شاه آشور خراج پرداخت کردند. در میان این خراج‌ها، وجود میمون و شتر دوکوهانه (Grayson, 1996: 185) نشان می‌دهد که مردمان مناطق تاراج شده با سرزمین‌های شرقی فلات و دره سند، ارتباطات تجاری داشته‌اند. سپس شمشی-آدد و

1 - Šamši-Adad V

2 - ÍD za-ban

3 - KUR.kú-la-ar

4 - na-'i-ri

5 - pá-r-su-a-a

6 - ma-na

سپاهیان او با شخصی «اهل سرزمین ماد»^۱ به نام «خَنصیروک»^۲ برخورد کردند که منجر به یک درگیری و سقوط «سگبیت»^۳، «شهر شاهانه»^۴ این فرد شدند. آشوریان سپس این شهر را همراه شمار دیگری سکونت‌گاه به آتش کشیدند. همه این سکونت‌گاه‌ها که شمارشان ۱۲۰۰ عدد نوشته شده است، از آن خَنصیروک بودند (id: 185-186).
درباره جایگاه جغرافیایی شهر شاهانه یادشده، محل آن در میان راه رسیدن به منطقه آرزی‌آش^۵ از سرزمین گیزیلبوند^۶ واقع بوده است (Zadok, 2002: 110, 118, 125).
سرزمین اخیر میان سرزمین‌های مانا، مَسّی^۷ و ماد قرار داشته که رید محل آن را میان زنجان و دریای کاسپین (مازندران کنونی در ادبیات فارسی) و دیاکونوف، منطقه زنجان‌چای (در حدود جنوب شرقی تا جنوب زنجان امروزی) را پیشنهاد می‌کنند (Reade, 1979: 76; Diakonoff, 1985: 79; Zadok, 2002: 110).
دیگر، سرزمین آرزی‌اش نیز در پیرامون منطقه «خَرخَر»^۸ بوده (Streck, 1900: 344).
(n.1; Fuchs, 1994: 423) و منطقه اخیر نیز با حدود ماهی‌دشت، حوالی نهاوند و ملایر و نیز تپه‌گیان همسان‌پنداری شده است (Herzfeld, 1968: 32; Levine, 1974:).
(116; Reade, 1978: 140f.; Vallat & Groneberg, 1993: 83). بر روی هم، این داده‌ها نشان می‌دهند که سگبیت، شهر شاهی مادی در گستره‌ای از زنجان تا ملایر امکان جایابی داشته است و آشکار است که در چنین بازه جغرافیایی بزرگی، حدود همدان امروزی نیز قرار دارد.

1 - KUR.ma-ta-a-a

2 - Ḫanaširuka

3 - sag-bi-ta

4 - URU MAN-ti

11- Araziaš

6 - Gizilbunda

13- Messi

8 - Ḫarḫar

از سوی دیگر، در متون آشوری، سه جای‌نام با اسم‌های مشابه دیگر و از این قرار دیده می‌شوند: (۱) سرزمین بیت-سانگی^۱ (Zadok, 2002: 118)؛ (۲) بیت-سانگیبوتی^۲ (Zadok, 2002: 123) که علی‌رغم یک باور (Levine, 1898: 80f.; Billerbeck, 1898: 80f.; Levine, 1977: 142f.; Diakonoff, 1991: 16/ n.11) با بیت-سانگی یک محوطه مشابه نیستند و در کتیبه‌های ۱۷ و ۴۷ از تیگلات-پیلسر سوم^۳ جدا از هم ثبت شده‌اند (Tadmor & Yamada, 2011: 52, 120-121). گمان بر این است که بیت-سانگیبوتی در شرق اورارتو و در حدود دشت خوی جای داشته است (Salvini, 1982: 387; Zimansky, 1985: 40ff.; 1990: 15; Liebig, 1991: 35f.; Zadok, 2002: 107)؛ (۳) «بیت-ساگبات»^۴ یا «بیت-ساگبت»^۵ که در نزدیکی «کیشسیم»^۶ (در ماهی‌دشت و در نزدیکی نجف‌آباد کنگاور) واقع بوده است؛ (۴) «بیت-سگبی»^۷ که برابر با بیت-ساگبات فرض شده و مطابق کتیبه‌ای از سارگن دوم آشوری (بنگرید به ادامه) حدود آن در جایی که به «دژ بابلیان»^۸ آوازه داشته، معرفی شده است (Grantovsky, 1970: 114; Parpola, 1970: 210f.; Levine, 1972: 38, ii, 40; Levine, 1977: 181; Diakonoff & Kashkai, 1979: 17f.; Fuchs, 1994: 428f. Vera Chamaza, 1994: 107; Zadok, 2002: 123)، هرچند که دیدگاهی دیگر محل هر دو نام اخیر را در سرزمین ایلام می‌پندارد، آن‌ها را جدا از یکدیگر می‌داند (Winckler, 1889: 124, 137f.; Zadok, 1985: 49; 2002: 123-124).

1- Bīt-sa-an-gi

2- Bīt-sa-an-gi-bu-ti

3- Tiglath-Pileser III

4- Bīt-sa-ag-ba-at

5- Bīt-sa-ag-bat

6 - Kišesim

7- Bīt-sa-ga-bi

8- dan-ni-ti šá DUMU K[Á.DINGIR.RAKi]

درباره شهر «اکباتانا» (اگباتانا)^۱ هرودوت بنیاد آن را به «دیوکس»^۲ نسبت داده که زمان آن به اوایل سده هفتم پیش از میلاد می‌رسد. دیودور به نقل از کتسیاس به سکونت‌گاهی با این نام اشاره کرده و محتوای متن یوسیپوس، گاه‌نگاری واقعه مرتبط با آن را دوازده سده پیش از المپیک نخست یونانیان (برابر با اوایل هزار دوم پیش از میلاد) نسبت می‌دهد (Diodorus, *Library of history*: II/13 ; Eusebius, *chronicle*: 25). ایزیدور خاراکی از اکباتانا به صورت Apobátana یاد کرده و مقر شاهانه فرمانروایان آن را «آدرپن»^۳ خوانده است، همچنین آن را یک کلان‌شهر (متروپولیس) در سرزمین ماد و دارای خزانه و نیایشگاهی جهت اهدای فدییه یا قربانی به خدای بانوی «آنائیتیس»^۴. ایزیدور محل این شهر را که بی‌تردید همان اکباتانا در گزارش هرودوت بوده است، میان کنکبار (کنگاور) و ری دانسته است (Isidore, *The Parthian station*: 7). در کتیبه داریوش بزرگ در بیستون نیز «ه(ن)گمتان»^۵ نزدیک «رگا»^۶ وصف و از وجود یک کاخ در آن یاد شده است (شارپ، ۱۳۸۴: ۵۱؛ ملین-لابا، ۱۳۸۸: ۲۸؛ علی‌یاری، ۱۳۹۴: ۱۲۰؛ Kent, 1950: 122, 124; Tavernier, 2007: 26). در نسخه ایلامی این کتیبه و نیز لوح PFNN 2502، نام هگمتان به صورت Ak-ma-da-na و در رونوشت اکدی آن A-ga-ma-ta-nu ثبت شده است. همچنین در الواحی به زبان اکدی، این نام به آواهای A-ga-ma-ta-nu و A-gam-ta-nu، A-gam-ma-ta-nu و Ag-ma-ta-nu نیز دیده شده است (Tavernier, 2007: 26, 69). «پولیپوس»^۷ در سده دوم پیش از میلاد، این شهر را در قسمت شمالی ماد دانسته و آن را اقامتگاه شاهانه و همیشگی مادی‌ها وصف کرده و گفته که این شهر از نظر ثروت و شکوه و عظمت ساختمان‌ها از همه شهرهای دیگر بسیار فراتر

1- Ἐκβάτανα/Ἀγβάτανα

2 - Δηϊόκης

3 - Ἀδρα×παναν

4- Ἀνατιδος

5 - Haⁿgmatāna

6 -Ragā

7 - Πολύβιος; Polybius

رفته است. در ادامه، او افزوده است که اکباتانا در دامن کوه «أرنتس»^۱ (دنا) قرار دارد و در عصر او بدون دیوار است، همچنین کاخ با شکوه آن، دارای چوب‌کاری‌هایی از سرو و سدار بود و تیرهای سقف و ستون‌های رواق‌ها با نقره یا طلا و تمام کاشی‌ها اندود شده بودند. بسیاری از فلزات گران‌بهای این کاخ در حمله اسکندر و مابقی در زمان سلطنت «آنتیگونوس»^۲ و سلوکوس پسر نیکاتور غارت شدند (Polybius, *The Histories*: 10/27). در کتاب جودیت که نزد یهودیان و پروتستان‌های مسیحی جزیی از تورات به شمار نمی‌آید، نیز ساخت اکباتانا به شخصیتی مادی با نام «أرفکشاد»^۳ نسبت داده شده و درباره شهر این طور آمده است که ارفاکشاد، پادشاه ماد، فاتح بسیاری از ملل، شهری شاهانه برپا کرد و آن را «اکباتانا»^۴ نامید. وی آن شهر را از سنگ‌های تراشیده و مربع‌شکل ساخت که دیوارهایی به ضخامت هفتاد ذراع و بلندای سی ذراع و همچنین برج‌هایی به ارتفاع صد ذراع داشت. در پای برج‌ها نیز دروازه‌هایی متناسب با ارتفاع آن‌ها ایجاد شده بود. با توجه به ادامه متن، زمان این شخصیت ناشناخته مادی که مشابه با کردارهای دیوکس در گزارش هرودوت، بنیادگر شهر اکباتانا معرفی شده، معاصر با یک شاه میان‌رودانی به نام «نبوخذنسر»^۵ است و به نظر می‌آید که آمیخته‌ای از دو شخصیت «نیوکدنزر یکم»^۶ (پیرامون ۱۱۰۰-۱۱۲۱ پ.م.) و «نیوکدنزر دوم» (۵۶۲-۶۰۵ پ.م.) باشد (Judith, 1: 1-6).

۱-۱- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

پیگیری جایابی اکباتانا، شهر شاهی مادها بدون کاوش امری نادقیق است، اما با بهره‌گیری از محتوای متون، می‌توان امید داشت که کمک بزرگی به این مسئله انجام گیرد. بررسی

1 - Orontes

2 - Antigonus

3 - Αρφαξάδ; Arphaxad

4 - Ἐκβατάνων

5 - Ναβουχοδονοσορ; Nabuchodonosor

6 - Nabû-kudurrî-ušur; Nebuchadnezzar I

این موضوع، یک مطالعه مهم در جهت روشن شدن بسیاری از نادانسته‌های تاریخی و فرهنگی مرتبط با حوزه مادی‌ها برشمرده می‌شود. این که دریابیم ویژگی‌های منحصر به فرد جغرافیایی و توصیفی این شهر در متون مختلف چه بوده و نیز اطلاعات به ظاهر اساطیری و مرتبط با آن را واکاوی و جهت استنتاج در کنار داده‌های تاریخی قرار دهیم، مسیری است که این مقاله به واسطه آن، می‌کوشد تا به یک نتیجه ممکن درباره حدود اکباتانا و ارتباط آن با میراث کهن‌تری از مادی‌ها دست یابد.

روی هم رفته، درباره تاریخ و کلیت جغرافیای ماد و گاه به طور ویژه درباره حدود اکباتانا پژوهش‌های مهمی انجام گرفته است که از برجسته‌ترین آن‌ها می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

زرین کوب (۱۳۸۷)؛ ملازاده و طاهری دهکردی (۱۳۹۰)؛ هژبری (۱۳۹۲)؛ بوشارلا (2014)؛ Bigland (1811); Rawlinson (1840); Kruger (1856); Gilmore (۱۳۹۲) (1888); Gadd (1923); Parpola (1970); Brown (1986; 1997); Starr (1990); Zimansky (1990); Lanfranchi & Porpoka (1990); Lanfranchi (1995); Millard (1994); Medvedskaya (1999; 2002); Levine (1972; 1974; 1977); Diakonoff & Kashkai (1979); Zadok (1976; 2002); Fuchs (1994; 1998; 2003-2005); Lenfant (1996); Parpola, & Porter (2001); Glassner (2004); Llewellyn-Jones & Robson (2010) & (Zawadzki (2011-2012).

۲-۱ - روش‌شناسی

در این مقاله با بهره‌گیری از محتوای منابع مکتوب میان‌رودانی و یونانی، داده‌های آن‌ها ارزیابی و میزان همخوانی این داده‌ها نسبت به یکدیگر و همچنین نسبت به شواهد میدانی بررسی شده است.

۲ - تحلیل داده‌ها و تازه‌های پژوهش

نام مردمان مادی و قلمرو آنان در متون گوناگون به صورت‌های مختلف آمده است:

۱) در کتیبه‌های نوآشوری: به صورت سرزمین «مَدَ» (لغوی: «مَدَا» یا «مَدِیا» یا «مَدِیو» به مفهوم سرزمین مادی‌ها؛ ^{KUR}*a-ma-da-a-a*) در کتیبه‌ای از شلمانسر (شلمنصر) سوم (Grayson, 1996: 68)، به صورت «مَدَ» (تحت‌اللفظی: «مَدَا» یا «مَدِیا» یا «مَدِیو»؛ ^{KUR}*ma-da-a-a*; ^{KUR}*mada-a-a*) در کتیبه‌ای از «ادد-ناراری» سوم، در کتیبه‌هایی از تیگلات-پیلسر سوم، در کتیبه‌هایی از اسرحدون (Grayson, 1996: 212, Tadmor & Yamada., 2011: 32, 48, 52, 53, 72, 84, 86, 97, 98, etc.; Leichty, 2011: 20, 32, 39, 43, 50, etc.)، به صورت «مَدَ» (تحت‌اللفظی: «مَدَا» یا «مَدِیا» یا «مَدِیو»؛ *mad-a-a*) در کتیبه‌هایی از آشوربانی‌پال (Novotny & Jeffers, 2018: 65, 89,)، به صورت «مَتَ» (تحت‌اللفظی: «مَتَا» یا «مَتِیا» یا «مَتِیو»-^{KUR}*ma-ta*) (123, 170) در یکی دیگر از کتیبه‌های آشوربانی‌پال (id: 291) و همچنین به صورت «مَنَدَ» (تحت‌اللفظی: «مَنَدَا» یا «مَنَدِیا» یا «مَنَدِیو» به معنی لغوی سرزمین اهالی مَنَد؛ ^{KUR}*man-da-a-a*) در دو کتیبه از سارگن دوم (Frame, 2021: 68 & 93). در کنار این نبشته‌های سلطنتی، در برخی از «پرس‌وجونامه‌ها» (*Queries*) نیز که مرتبط با روزگار اسرحدون هستند، به هویت مادی‌ها به صورت *ma-da-a-a* اشاره شده است (Starr, 1990: 46-82).

۲) در نبشته‌های روزگار نوبابلی: «مَدَ» (تحت‌اللفظی: «مَدَا» یا «مَدِیا» یا «مَدِیو»؛ ^{mat}*ma-da-a-a*) در (Gadd, 1923: 33)، «اوَمَن-مَنَدَ» (*um-man-ma-an-*) (Gadd, 1923: 34, 35, 36, 38; Adali, 2009: 192; Weiershäuser & Novotny, 2020: 62)، «ارین/م-مَنَدَ» (*ÉRIN/M-man-da*) در استوانه سیپَر از نبونئید (Adali, 2009: 189, 193, 194)، «ارین/م-مَنَدو» (*ÉRIN/M-man-du*) در همان سنگ یادبود و سنگ یادبود بابل (Adali, 2009: 193; Weiershäuser & Novotny, 2020: 70).

۳) در استوانه کوروش بزرگ به تبعیت از ادبیات دوران نوبابلی: «اوَمَن-مَنَدَ» (*um-man-*) (Adali, 2009: 211) (*man-da*).

۴) در تورات: پیدایش، ۲:۱۰؛ پادشاهان ۲، ۶:۱۷ و ۱۱:۱۸؛ عزرا، ۲:۶؛ استر، ۱:۱-۱۹؛ دانیال، ۵:۲۸، ۵:۲۸، ۵:۳۱، ۹:۱ و ۱۱:۱. معروفترین اشاره به این سرزمین در تورات، به صورت «مادای» (Madai) است.

همچنین به این موارد نیز می‌توان اشاره کرد: «ماد» (*māda*) در پارسی قدیم، «مد» (*ma-da*) در ایلامی روزگار هخامنشی (در برخی از الواح به صورت "*ma-ad-da*"، "*ma-da(-be)*"، "*ma-taš*"، «مد» (لغوی: «مَدَا» یا «مَدَا» یا «مَدَا»؛ "*ma-da-a-a*) در اکدی روزگار نوبابی (در برخی از الواح و کتیبه‌های دیگر به صورت "*ma-da-a*"، "*mad-da-a-a*" و "*ma-da-a*"، "*mad-da-a-a*"، «مادی» (*mdy*) در آرامی، «*mede*» در زبان لیکایی، در هیروگلیف «*M^c-d-y*» و در دموتیک مصری «*Mdy*» (Tavernier, 2007: 27,)، (61,72-73).

نبشته‌های میان‌رودانی از شاهان عصر نواشور و نیز نبشته‌های کشف شده از روزگار نوبابی که همگی در پیوند با هزاره یکم پیش از میلاد هستند، داده‌هایی کمابیش روشنی از جغرافیا و گستره سرزمین و سکونت‌گاه‌های مادی ارائه کرده‌اند که از قرار زیر است:

از شمال غرب، حدود مادی‌نشین هم‌مرز با گیزیل‌بوند (نزدیک منطقه زنجان‌چای امروزی) (Zadok, 2002: 110). خطه میانی ماد و مادی‌نشین شامل «سرزمین دتومبو» (*KUR^{da}*) و «سرزمین کزبکنی» (*tu-um-bu*)، «سرزمین پیرنکان» (*kar-zi-na^{ki}*)، «سرزمین پیرنکان» (*KUR^{pir-na-ka-an}*)، «بریکانو» (*KUR^{ba-ri-ka-a-nu}*) برابر با «پاریکانوی» (*παρικανοι*) در متون یونانی، «شهر ه/خرزینو» (*URU^{ha-ar-zi-a-ni}*)، «شهر کئیتانو» (*URU^{kaitānnu}*)، سرزمین «رامند» (*KUR^{rā-ma-an-da}*) برابر با رامند امروزی در نزدیکی بوئین‌زهرا، «سرزمین آرنسی» (*KUR^{ar-na-si-a}*)، شهر و «سرزمین نیش» (*KUR/URU^{ni-iš-šá-a/ni-š-}*) که برابر با منطقه «نیسای» (*Nisāya*) در کتیبه داریوش بزرگ در بیستون است (Levine, 1972: 42; Fuchs, 1994: 446 & Zadok, 2002: 116-118). با فراتر رفتن دامنه آگاهی‌های جغرافیایی آشوریان در روزگار تیگلات-پیلسر سوم و سارگن

دوم، از گستره ماد شرقی و سکونت‌گاه‌های دوردست مادی‌نشین این منطقه تا حدود کوه بیکنی (کوه دماوند) و نزدیکی کویر نمک نیز یاد شده است (Grayson, 1996: 97-98).
(Luckenbill, 1927: 26, 40, 41, ...).

همچنین درباره حدود جغرافیایی شهر اکباتانا در ماد نیز نظرات مختلفی مطرح شده که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به این دیدگاه‌ها اشاره کرد: برابری با تخت سلیمان بر اساس فاصله مسافت‌های نام برده شده میان شهرها (Rawlinson, 1840: 119)، برابری با سگبیت یا ساگبات (هم‌راستا با دیدگاه مقاله پیش‌رو) در نبشته‌های آشوری که از منظر زبان‌شناختی و یا پیگیری خط سیر لشگرکشی سارگن دوم آشوری که البته بدون در نظر گرفتن یک تحلیل جامع بر همه داده‌های مرتبط با جغرافیای اکباتانا مطرح شد. به سبب ناکافی بودن علل تحلیلی، مخالفت‌هایی با این نگاه نیز شده است (Medvedskaya, 2002: 53-54)، برابری با همدان (Bücher, 1914: 301-304) و محوطه‌هایی چون تپه هگمتانه یا تپه مصلا (برای ارگ آن) (ملازاده و طاهری دهکردی، ۱۳۹۰: ۱۱) و همچنین برابری با حدود تبریز (Turley & Souza, 2017: 421).

مطابق با اساطیر مرتبط با شاهان میان‌رودان ثبت شده در روایات یونانی، دوازده سده پیش از نخستین المپیک یونانیان (برگزار شده در سال ۷۶۶ پ.م.) در زاگرس مرکزی سکونت‌گاهی شاهانه به نام اکباتانا وجود داشت (Diodorus, *Library of history*: II/13). این که در اسطوره مورد بحث، مقصود از اکباتانا، همان تختگاه شاهانه خاندان دیوکس در هزاره نخست پیش از میلاد بوده و یا این که باید آن را صرفاً وصفی متأخر از یک سکونت‌گاه مهم و کهن در منطقه زاگرس مرکزی و با اسم رایج آن حدود در روزگار بعدی در نظر گرفت، پایه یک مبحث ارزشمند را تشکیل می‌دهد.

پیرو اسطوره دیگری، چهل سال پیش از بازی‌های المپیک یادشده، یعنی برابر با سال ۸۱۶ پیش از میلاد، شخصیتی مادی به نام «آرباکس»^۱ پس از آن که بر شاهی در نینوا

با نام «سارداناپالوس»^۱ پیروز شد، به عنوان شاه ماد و شاه آسیا در اکباتانا تاج گذاری کرد (id: II/28) در این رخداد، یک بابلی به نام «بلسوس»^۲ یا «بلسیوس»^۳ نیز به او یاری کرد که خود بزرگ بابل بود (Diodorus, *Library of history*: II/32-34 ; Eusebius, *Chronicle*: 67-68). با توجه به دو مؤلفه زمانی و توصیفی، دو شخصیت اساطیری سارداناپالوس و بلسوس/بلسیوس منطبق بر دو چهره تاریخی و به شرح زیر می شوند:

(۱) شرایط سارداناپالوس، شاه اسطوره ای آشور در نینوا، درست همخوان شرایط «آشور-دنین-اپلی»^۴ یا «آشور-دئین-اپل»^۵ پسر ارشد شلمانسر (شلمنصر) سوم^۶ است. این شخص در اواخر سلطنت پدر خود بر او طغیان کرد و به گفته شمشی-آدد پنجم، برادرش، بر نینوا و بیست و شش شهر دیگر چیره شد (Grayson, 1996: 183). زمان این رخدادها، از سال ۸۲۴ پ.م به بعد است. به سخن دیگر، سرگذشت سارداناپالوس را می بایست روایت داستانی شده وقایع مرتبط با آشور-دنین-اپلی توصیف کرد.

(۲) بلسوس/بلسیوس نیز چه از منظر کیستی (فرمانروای بابل بودن) و چه از منظر زمانی (۸۱۴-۸۱۹ پ.م)، دقیقاً منطبق بر «مردوک-بلاطسو-ایقبی»^۷ شاه بابل است.

مجموع این استنتاج تطبیقی بدین مفهوم خواهد بود که در اسطوره آریاکس، این شاه اساطیری در سده هشتم پیش از میلاد در شهر اکباتانا بر تخت نشسته است. اسطوره مذکور بیان کرده که او شاه مردمان آسیایی شد که می تواند یک کنایه متأخر از وسعت قدرت او در منطقه خودش باشد و نه الزاماً به مفهوم عینی جمله. در همین اسطوره و مطابق گزارش هایی از دیودور (Diodorus, *Library of history*: II/28)، یوسیبوس (*Chronicle*:

1 - Σαρδανάπαλος

2 - Βελεσσος

3 - Βελεσιος

4 - Aššur-danin-apli

5 - Aššur-da'in-apla

6 - Šalmaneser III

7 - Marduk-balāṣu-iqbi

67, 63-64, 59) و آگاپیوس (100: *Universal History*)، درازای شاهی آرباکس، ۲۸ سال بوده است و بدین روی، بازه حکومت او از سال ۸۱۶ تا ۷۸۸ پ.م قابل محاسبه است؛ یعنی پایان حکومت او با سال نخست حکومت دیوکس (۷۰۰ پ.م) در گزارش هرودوت، ۸۸ سال فاصله زمانی دارد.

از سوی دیگر و برپایه گزارش شمشی-ادد پنجم، گاه‌نگاری حکومت خنصیروک نیز با ربع آخر سده نهم پیش از میلاد مرتبط است. همچنین چنان که پیشتر بیان شد، حدود جغرافیایی شهر سگبیت، تختگاه او در محدوده‌ای وصف شده که منطقه اکباتانا نیز شامل آن است که در تحلیل مقاله، نکته‌ای مهم برشمرده می‌شود. افزون بر این مسئله، شاه آشوری یادشده، از گستردگی دامنه قلمرو خنصیروک و شمار شهرهای تحت فرمان او چنان یاد کرده است (بنگرید به مقدمه) آشکارا که نشان می‌دهد این فرمانروای مادی، مردی قدرتمندتر از یک شاه شهری و محلی بوده است. این که آیا می‌توان میان روایت تاریخی آشوری و روایت اساطیری یونانی از رخدادهای مرتبط با دو شاه مادی که از منظر مؤلفه‌های زمانی و توصیفی با هم مشابهت‌های نزدیکی دارند، ارتباطی برقرار کرد، موضوعی بنیادین در تحلیل‌های مرتبط با باستان‌شناسی اساطیر است.

۲-۱- بررسی موقعیت‌های جغرافیایی بیت-سانگی، بیت-سنگیبوتی، بیت-

ساگبات و بیت-سگبی و ارتباط آن‌ها با هگمتان-اکباتانا

سرزمین بیت-سانگی: در لشگرکشی تیگلات-پیلسر سوم، در راستای مسیر «سرزمین بیت-کپسی»^۱ و «سرزمین بیت-اورزگی»^۲ نام برده شده است (Tadmor & Yamada, 2011: 31, 48, 52, 72, 120-121). بنا به پیشنهاد زبان‌شناختی رید، محل بیت-کپسی منطبق بر قزوین کنونی بوده است (Reade, 1979: 180). این نظر با توجه به قرار داشتن

1 - KUR.É-*kap-si*

2 - KUR.É-*ur-zak-ki*

بیت-کپسی در مسیر «سرزمین اهالی ماد»^۱ (Tadmor & Yamada, 2011: 48, 72) قابلیت دفاع دارد.

سرزمین بیت-سنگیوتی (بیت-سانگیوتی): در لشگرکشی تیگلات-پیلسر سوم، در راستای مسیر ارتباطی سه سرزمین «نمری»^۲، «بیت-ابدانی»^۳ و «بیت-زاتی»^۴ و پس از آن‌ها گزارش شده است (Tadmor & Yamada, 2011: 29). بیت-ابدانی در مسیر «پرسوا»^۵ (در حدود ماهی‌دشت) به «سرزمین بیت-خمن»^۶ (در همسایگی آلیپی واقع در غرب پیشکوه) و در مجاورت یا درون گیزیلبوند قرار داشت (Vera Chamaza, 1994: 106; Grayson, 1996: 40; Zadok, 2002: 111). بیت-زاتی نیز که شامل شهر «اوس/زخری»^۷ (برابر با «زخر»^۸) بود، در شمال غربی سرزمین ایلام قرار داشته است (Edzard *et al.* 1977: 193). در توصیف‌هایی دیگر، سرزمین بیت-سانگیوتی در میان مسیر سرزمین نمری به بیت-خمن و در راستای ادامه راه به «بیت-بروا»^۹ (در مجاورت خرخر) قرار داشته و در ادامه مسیر، سپاه آشور به پرسوا، بیت-ابدانی، بیت-کپسی و سرزمین بیت-سانگی رسیده است (Tadmor & Yamada, 2011: 52, 84, 120-121). اهالی آن از سوی شاه آشوری یادشده، «قوتو»^{۱۰} یا گوتی یا کوه‌نشینان خوانده شده‌اند (id.: 68, 70). تیگلات-پیلسر در جایی، اهالی این سرزمین را جدا از اهالی سرزمین ماد واقع در کوهستان‌های شرقی معرفی کرده (id.: 84)، اما در جای دیگر از همین نبشته شاهانه شماره ۳۵، واژه ماد را در این توصیف به کار نبرده (id.: 87) که

1- KUR.ma-da-a-a

2 - KUR.nam-ri

3 - KUR.É-ab-da-da-ni

4 - KUR.É-za-at-ti

5 - pá-r-su-a

6 - KUR.É-ḫa-am-ban

7 - URU.us/z-ḫa-ri

8 - Zaḫara

9- É-bar-ru-a

10 - KUR.qu-te-e

نکته‌ای عجیب و قابل تامل است. سارگن دوم آشوری نیز از این سرزمین در راستای جغرافیایی خرخر، «سرزمین اوریک/قاتو»^۱، «سرزمین سیکریس»^۲ (واقع در خرخر)، «سرزمین شپارد»^۳ (واقع در خرخر)، «سرزمین اوپری‌آ»^۴ (واقع در شرق خرخر) و «شهر آنی‌آشتنی‌آ»^۵ (واقع در حدود مرزی سرزمین بیت-سانگیبوتی) یاد کرده است (Diakonoff, 1985: 107; Vera Chamaza, 1994: 108f.; Fuchs, 1994: 445;) (Zadok, 2002: 126; Frame, 2021: 62, 65).

سرزمین/شهر بیت-ساگبات (بیت-ساگبت): در نیشه‌ای شاهانه از تیگلات-پیلسر سوم (نیشه ۴۷) به این سرزمین مستقل از سرزمین‌های پیشین اشاره شده است و این مسئله آشکارا نشان می‌دهد که بیت-ساگبات نمی‌تواند منطبق با بیت-سانگیبوتی یا بیت-سانگی بوده باشد. در این گزارش، بیت-ساگبات سرزمینی شرقی‌تر نسبت به آن دو سرزمین پیشین وصف شده است که پس از «سرزمین نیشای»^۶ (برابر نیسای پارسی در ماد) و در راستای مسیر «سرزمین گرزبیر»^۷ (در ۱۷ کیلومتری جنوب زنجان؟) تا «کوه سیلخزو»^۸ (واقع در سرزمین کیشسیم) قرار داشت. این کوه به دژ بابلیان آوازه داشت و پس از آن، «کوه روا»^۹، بیابان نمک و حدود مادی‌های قدرتمند گزارش شده‌اند (Tadmor & Yamada, 2011: 120). سارگن دوم آشوری نیز از این سرزمین در راستای مسیر «پرسوآش»^{۱۰}، «سرزمین بیت-خیرمی»^{۱۱} (در نزدیکی کیشسیم)،

1 - KUR.ú-ri-qa-tu
 2 - KUR.si-ik-ri-is
 3 - KUR.šá-pa-ar-da
 4 - KUR.up-pa-ri-a
 5 - URU.a-ni-áš-ta-ni-a
 6 - KUR.ni-iš-ša-a-a
 7 - KUR.kar-zi-ib-ra
 8 - KUR.si-il-ḫa-zi
 9 - KUR.ru-ú-a
 10 - KUR.par-su-aš
 11 - KUR.É-ḫi-[ir-ma-mi]

«سرزمین بیت-اومرگی»^۱ (در نزدیکی کیشسیم)، «شهر خارخوبربن»^۲ (واقع در سرزمین کیشسیم)، «سرزمین کیلمباتی»^۳ (در نزدیکی کیشسیم) و «شهر آرمانگو»^۴ (در نزدیکی کیشسیم) نام برده است و این نواحی پیش از دست یافتن به منطقه خرخر از سوی سارگن گزارش شده‌اند (Forrer, 1921: 92; Luckenbill, 1927: 6-7; Diakonoff, 1956: 208; Fuchs, 1994: 424, 427, 429, 437, 443; Vera Chamaza, 1994: 106f.; Zadok, 2002: 124; Frame, 2021: 126-127). سارگن در جایی دیگر، شاه شهر بیت-ساگبات (به آوای بیت-ساگبت) را «مکیرتو»^۵ نوشته و این سکونت‌گاه را همراه شماری از شهرهای بالا و نیز شماری سکونت‌گاه دیگر مادی‌نشین چون «شهر کینگرکو»^۶ (احتمالاً در سرزمین خرخر)، «شهر کیسیلخ»^۷، «شهر زکروتی»^۸ (واقع در شرق ماهی‌دشت و احتمالاً منطقه بیستون)، «شهر کازربکنو»^۹ (گنزک تکاب در جغرافیاشناسی پارسی؟)، «شهر گرزینو»^{۱۰}، «شهر آندیرپتی‌انو»^{۱۱} (در نزدیکی بیابان نمک مطابق با Thureau-Dangin, S.A.A 64)، «شهر خارزی‌انو»^{۱۲} و «شهر آرتیست»^{۱۳} نام برده است (Levine, 1974: 118; Starr, 1990: 73; Zadok, 2002: 125-126; Frame, 2021: 281). پیرو نبشته شماره ۱۱۷ سارگن، سرزمینی با نام «بیت-سگبی»^{۱۴} در نزدیکی سرزمین خرخر، در جایی قرار داشته است که به دژ بابلیان خوانده می‌شد (مشابه نام کوه سیلخزو) و از این رو آن را برابر با بیت-ساگبات دانسته‌اند (Fuchs,)

1 - KUR.É-ú-mar-gi

2 - URU.ḫa-ar-ḫu-bar-ban

3 - KUR.ki-lam-ba-a-ti

4 - URU.ar-ma-an-gu

5 - Makirtu

6 - URU.ki-in-ga-ra-ku

7 - URU.ki-si-la-ḫa

8 - URU.zak-ru-te

9 - URU.ka-an-za-ba-ka-nu

10 - URU.kar-zi-nû

11 - URU.an-dir-pa-ti-a-nu

12 - URU.ḫa-ar-zi-a-nu

13 - URU.a-rat-is-ti

14 - KUR.É.sa-ga-bi

مخالفت شده است (Zadok, 2002: 124). گفتنی است که مدودسکایا بدون بیان جزئیات، حدود کلی این سکونت‌گاه را در همسایگی سرزمین‌های خرخر و کیشسیم معرفی کرده است (Medvedskaya, 2002: 47).

شهر سگبیت: پیرو گزارش شمشی-آدد پنجم که پیشتر نیز از آن یاد شد، این سکونت‌گاه واقع در «سرزمین اهالی ماد»^۱ و شهر شاهی یک فرمانروای قدرتمند مادی تبار به نام خنصیروک بوده است که ۱۲۰۰ شهر دیگر تابع آن بودند. او زمانی به این شهر برخورد کرد که منطقه «نمری» (در سرآغاز راستای مسیر ارتباطی سرزمین‌های آلپیی، خرخر، آرزوی‌آش، ماد، گزیلبوند، پرسوا و آبدانی پیرو کتیبه شماره ۸ از آدد-ناراری سوم) را به زیر یوغ خود درآورده بود و پس از نابودی قلمرو خنصیروک نیز نوشته که در راه بازگشت از آن جا به «سرزمین اهالی آرزوی‌آش»^۲ (در نزدیکی خرخر) رسید (Grayson, 1996: 185-186, 212). پیرو یک دیدگاه، سگبیت همان بیت-ساگبات است (Streck, 1900: 330)، اما خلاف این نظر نیز مطرح شده است (Zadok, 2002: 118).

سرزمین بیت-سگبی: در کتیبه ۱۱۷ از سارگن دوم به آن اشاره شده (Frame, 2021: 451) است و پیشتر درباره آن بحث شد.

از میان موارد بالا، بیت-سانگی و بیت-سانگیبوتی آشکارا با یکدیگر متفاوت هستند و این مسئله به سادگی از کنار هم یاد شدن آن دو در نیشته‌های آشوری قابل دریافت است. بر مبنای توضیحات مرتبط ارائه شده، بیت-سانگی را می‌توان در محدوده‌ای میان قزوین تا همدان امروزی پنداشت. درباره جایگاه بیت-سانگیبوتی، چارچوب محدوده واریسی شده گسترده‌تر است. آن چه روشن است برخلاف نظر پیشتر یادشده، این مختصات جغرافیایی سرزمین مطلقاً با حدود شرقی اورارتو سازگاری ندارد، بلکه بر مبنای کتیبه‌های تیگلات-پیلسر سوم و سارگن دوم و با توجه به همسایگان آن، حدود میان خرخر و آلپیی،

1 - KUR.ma-ta-a-a

2 - KUR.a-ra-zi-áš-a-a

محتمل‌ترین مناطقی است که سرزمین بیت-سانگیبوتی می‌تواند در آن حدود واقع بوده باشد. آن طور که گفته شد، تیگلات-پیلسر سوم در جایی، ضمن مرتفع‌نشین دانستن یا گوتیایی خواندن اهالی بیت-سانگیبوتی، به همسایگی آنان با مادی‌ها (در جای دیگر صرفاً با اهالی) کوهستان شرقی اشاره کرده و این نشانی جغرافیایی، با حدودی که برای بیت-سانگیبوتی پیشنهاد شد، کاملاً سازگاری دارد. بر روی هم، چنان که واضح است، هیچ یک از دو سرزمین بیت-سانگی و بیت-سانگیبوتی که مرتبط با سده هشتم پیش از میلاد بوده‌اند، با مسیر توصیف شده برای رسیدن به اکباتانا در نبشته داریوش بزرگ در بیستون و گزارش ایزیدور همخوانی ندارند و در نتیجه امکان انطباق آن با آن شهر (مطابق گزارش دیودور مبنی بر وجود اکباتانا دست‌کم از اواخر سده نهم پیش از میلاد) یا امکان تصور نیای آن شهر بودن (بنیاد در اواخر همان سده یا اوایل سده بعدی بر طبق گزارش هرودوت) را ندارند.

درباره وضعیت بیت-ساگبات، همچنین چنان که گفته شد، این منطقه یا شهر سرزمینی بوده که نسبت به بیت-سانگی و بیت-سانگیبوتی در مختصات جغرافیایی شرقی‌تری قرار داشته است. با توجه به وصف مختصات آن در شرق سرزمین نیشای و قرار داشتن این سرزمین/شهر در راستای مسیری که به منطقه دژ بابلیان در کیشسیم (بنا به توضیحات پیشین واقع در شرق کنگاور امروزی) و نهایت کوه روا و سرزمین مادی‌های مرتبط با بیابان نمک (دشت کویر در سوی شرقی کوه بیکنی) منتهی می‌شده است و همچنین با توجه به این که شاه آشور پس از تصرف این منطقه، رهسپار سرزمین خرخر (حدود ماهی‌دشت یا حدود نهاوند تا ملایر) شده است، گستره ممکن و سازگار با این داده‌ها برای بیت-ساگبات، مناطق میان نجف‌آباد همدان تا همدان قابلیت مطرح شدن دارد. چنین مختصاتی در فاصله نه چندان دور از شهر همدان و مدارک مرتبط با سازه‌های هخامنشی آن این شهر می‌تواند نشان‌دهنده این موضوع باشد که بیت-ساگبات، می‌توانسته منطبق بر آن شهر نیایی (اکباتانا در سده‌های نهم و هشتم پیش از میلاد در گزارش دیودور به نقل از کتسیاس درباره اسطوره آرباکس) باشد؛ شهری که بعدها موجب برپایی شهری

دیگر و از نو بنیادشده به نام هگمتان به روزگار دیوکس و در جایگاه تختگاه شاه و دودمان سلطنتی نوین (مطابق با گزارش هرودوت) در حوالی آن شده است. این که با توجه به قرار داشتن شهر کهن تر و شاهی سگبیت در میان راه ابدانی به آرزوی آش در خرخر (در نزدیکی و جنوب غربی محدوده پیشنهاد شده برای بیت-ساگبات) بتوان به همسانی موقعیت و در نتیجه ماهیت این شهر آتش گرفته در اواخر سده نهم پیش از میلاد و بیت-ساگبات مرتبط با سده هشتم پیش از میلاد تفکر کرد، مسئله‌ای است که دقت زیادی می‌طلبد. می‌دانیم که طبق اسطوره آرباکس، تختگاه این متحد بلسوس بابلی (مردوک-بلاطسو-ایقبی) در چهل سال پیش از بازی‌های نخستین المپیک یونانیان (برابر با سال ۸۱۶ پیش از میلاد) اکباتانا نام داشته است و چنان که پیشتر بیان شد، هم این مسئله و هم دامنه قدرت توصیف شده برای او با آنچه شمشی-آدد پنجم از گاه‌نگاری، کیستی و بزرگی قلمروی خنصیروک نام برده است، مشابهت قابل توجهی دارد. پیرو همین اسطوره در گزارش‌های دیودور (*Library of history: II/32-34*)، یوسبیوس (*Chronicle: 67-68*)، موسی خورنی (۱۳۸۰: ۹۹) و آگاپیوس (*Universal History: 100*)، تختگاه جانشینان آرباکس، یعنی «مائوداکس»^۱، «سُساموس»^۲ و «آرتوکاس»^۳ (طبق آمارهای مطرح شده برای طول حکومتشان، همگی با سده هشتم پیش از میلاد مرتبط می‌شوند) نیز اکباتانا نام داشته است. این چنین و بر مبنای سه مؤلفه همخوانی مختصات جغرافیایی میان دو شهر اکباتانا در اسطوره‌پردازی این نویسندگان و بیت-ساگبات، همخوانی گاه‌نگاری (سده هشتم پیش از میلاد) و همخوانی ماهیت ساکنان منطقه (مادی‌تباران)، ریشه تاریخی مرتبط با گزارش‌های اساطیری یادشده از شاهان اسطوره‌ای نام برده را می‌توان همین اشاره آمده در متون آشوری درباره حکومت مادی‌تباران منطقه و شهر بیت-ساگبات در سده هشتم پیش از میلاد دانست. از این رو، این احتمال منطقی وجود

1 - Μαυδάκης

2- - Σώσαρμος

3 - Ἀρτύκας

دارد که شهر شاهانه و مرتبط با سده نهم پیش از میلاد سگبیت (تختگاه خنصیروک) را نیز برابر با بیت-ساگبات معرفی کرد که پس از بازسازی، تبدیل به شهر بیت-ساگبات شد.

۳- نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد که با تحلیل محتوای روایات اساطیری از شاهان ماد و آنچه در نوشته‌های آشوری مرتبط با نیمه نخست هزاره یکم پیش از میلاد وجود دارد، می‌توان به یک سازگاری دست یافت و صورت تاریخی شده آن روایات شاخ و برگ گرفته را به شیوه علمی بازسازی کرد. در این مطالعه دیده شد که منطقه بیت-ساگبات و شهر اصلی آن با همین نام نسبت به دو سرزمین بیت-سانگی و بیت-سانگیبیتو در مختصات جغرافیایی شرقی‌تری واقع شده و این محدوده در گستره شرق دشت نیشای و در فاصله نجف‌آباد استان همدان تا شهر همدان بوده است. همچنین بیان شد که شهر بیت-ساگبات که مرتبط با سده هشتم پیش از میلاد توصیف شده، منطبق بر اکباتانا، تختگاه شاهان سه گانه و اسطوره‌ای ماد (مائوداکس، سسارموس و آرتوکاس) در روایات دیودور (به نقل از کتسیاس)، یوسبیوس، موسی خورنی (به نقل از مارآپاس کاتینا) و آگاپیوس بوده است. در ادامه نیز آورده شد که این شهر بیت-ساگبات، از نظر جغرافیایی با شهر شاهی سگبیت، پایتخت خنصیروک در سده نهم پیش از میلاد در صورت تاریخی و اکباتانا، تختگاه اساطیری آرباکس، شاه اسطوره‌ای ماد و مرتبط با سده نهم پیش از میلاد هم‌خوان است و صورت بازسازی شده آن شهر کهن تر پس از ویرانی به دست سپاهیان شمشی-ادد پنجم معرفی می‌شود؛ شهری که بعدها الهام‌بخش تختگاهی با نام هگمتان (آن شهر هفت دیواره اکباتانا در نظر هرودوت) به دست دیوکس در جایگاه پایتخت شاه و عصر جدید مادی‌ها شد.

منابع

- بوشارلا، رمی (۱۳۹۲). «تپه هگمتانه و اکباتان باستان»، ترجمه محسن دانا. مجموعه مقالات همایش یک روزه هگمتانه، در بزرگداشت استاد دکتر محمدرحیم صراف. به کوشش یعقوب محمدی‌فر. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری. صص: ۲۲۹-۲۴۲.
- تورات: کتاب مقدس (۱۸۹۵). ترجمه رابرت بروس و کاراپت اوهانس. تهران: مؤلف.
- خورنی، موسی (۱۳۸۰). تاریخ ارمنیان. ترجمه ادیک باغداساریان. تهران: مؤلف.
- زرین‌کوب، روزبه (۱۳۸۷). «بنیان‌گذاری اتحاد مآداها و اهمیت منبع شناسی آن». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تهران). دوره ۵۹، شماره ۱۸۵: صص: ۹۹-۱۱۲.
- شارپ، رلف نارمن (۱۳۸۴). فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی. چاپ دوم. تهران: پایزنه.
- علی‌یاری بابلقانی، سلمان (۱۳۹۴). تحریر ایلامی کتیبه داریوش بزرگ در بیستون. تهران: مرکز. ملازاده، کاظم؛ و طاهری‌دهکردی، معصومه (۱۳۹۰). «تاریخچه، جایابی و ساختار هگمتانه مادی». مطالعات شهر ایرانی اسلامی. دوره ۲، شماره ۶: صص: ۵-۱۶.
- ملبرن-لابا، فلورانس (۱۳۸۸). سنگ‌نبشته داریوش بزرگ در بیستون (رونوشت اکدی-بابلی). ترجمه داریوش اکبرزاده. تهران: پایزنه.
- هژبری، علی (۱۳۹۲). «بررسی ماهیت اکباتان؛ شهر یا دژ؟». در مجموعه مقالات باستان‌شناسی و تاریخ شهر همدان (به مناسبت یکصدمین سالگرد کاوش در همدان). به کوشش علی هژبری. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری. صص: ۱۳۹-۱۵۰.
- Adali, S. F. (2009). "Ummān-manda and its Significance in the First Millenium B.C". Doctor of Philosophy. Faculty of Arts, Department of Classics and Ancient History: University of Sydney.
- Agapius (1909). *Universal History*. Translated by Alexander Vasiliev. available at 2022: https://www.tertullian.org/fathers/agapius_history_02_part2.htm
- Bigland, J. (1811). *A Geographical and Historical View of the World: Exhibiting a Complete Delineation of the Natural and Artificial Features of Each Country*. Vol. 4. Boston: Thomas B. Wait and Co.
- Billerbeck, A. (1898). *Das Sandschak Suleimania und dessen persische Nachbarlandschaften zur babylonischen und assyrischen Zeit*. Leipzig: Verlag von Eduard Pefiffer.

- Brown, S. C. (1986). "Media and Secondary State Formation in the Neo-Assyrian Zagros". *Journal of Cuneiform Studies*. Vol. 38: pp: 107-119.
- Brown, S. C. (1997). "Ecbatana". in *Iranica*. available at 2022: <https://iranicaonline.org/articles/ecbatana>
- Bücher, V. F. (1914). "Ekbatana-Hamadan". *OLZ*. Vol. 17: pp: 301-304.
- Diakonoff, I. M. (1956). *Istoria Midii ot Drevneshikh Vermen do Konca IV Veka do n.e.* Leningrad: [L.et.n.].
- Diakonoff, I. M. (1985). "Media". in *The Median and Achaemenian periods*. ed. I. Gershevitch, Cambridge: Cambridge University Press. pp: 36-148.
- Diakonoff, I. M. (1991). "'ry Mdy: The cities of Medes". in *Ah, Assyria: studies in Assyrian history and ancient near Eastern historiography presented to Hayim Tadmor*. eds. M. Cogan and I. Eph'al. Jerusalem: The Magnes Press, the Hebrew University. pp: 13-20.
- Diakonoff, I. M.; & Kashkai, S. M. (1979). *Geographical Names According to Urartian Texts*. Wiesbaden: Ludwig Reichert Verlag.
- Diodorus Siculus (1933). *Library of History*. Version of the Loeb Classical Library Edition. Available at 2022: https://penelope.uchicago.edu/Thayer/e/roman/texts/diodorus_siculus/2a*.html
- Edzard, D. O.; Farber, G.; & Sollberger, E. (1977). *Die Orts- und Gewässernamen der prä-sargonischen und sargonischen Zeit*. Wiesbaden: Ludwig Reichert Verlag.
- Eusebius. *Chronicle*. English translation version, attalus organization. Available at (2022): <http://www.attalus.org/translate/eusebius4.html#7>
- Forrer, E. (1921). "Die Inschriften und Sprachen des Hatti-Reichs". *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft*. Vol. 76: pp: 174-269.
- Frame, G. (2021). *Royal Inscriptions of Sargon II, King of Assyria (721-705)*. Pennsylvania: Penn State University Press.
- Fuchs, A. (1994). *Die Inschriften Sargons II. Aus Khorsabad*. Göttingen: Cuvillier verlag.
- Fuchs, A. (1998). *Die Annalen des Jahres 711 v. Chr. nach Prismenfragmenten aus Ninive und Assur*, Helsinki: Casco Bay Assyriological Institute.
- Fuchs, A. (2003-5), "Parsua(š)", in *Reallexikon Der Assyriologie Und Vorderasiatischen Archaologie*, Berlin: Walter de Gruyter, pp. 340-342.

- Gadd, C. J. (1923). *The Fall of Nineveh, The newly discovered Babylonian chronicle. No. 21,901, in the British museum*. London: Oxford University Press.
- Gilmore, J. (1888). *The Fragments of Persika*. London and New York: MacMillan and Co.
- Glassner, J. J. (2004). *Mesopotamian Chronicles (Writings from the Ancient World)*. Atlanta: Society of Biblical Literature.
- Grantovskiy, E. A. (1970). *Ronnyaya Istoriya Iranskikh Plemen Peredney Azii*. Moscow: [L.et.n.].
- Grayson, K. A. (1996). *Assyrian Rulers of the Early First Millennium BC, II (858-745 BC)*. Toronto: University of Toronto Press.
- Herzfeld, E. (1968). *The Persian Empire: studies in geography and ethnography of the ancient Near East*, Wiesbaden: Franz Steiner Verlag GMBH.
- Hozhabri, A. (2014). "The location of Ecbatana; Where is Median Ecbatana?" in *Colloquia Baltica Iranica, Rzucewo. 16 - 17 October 2014*. Warsaw: Uniwersytetu Gdanskiego & Iran Heritage.
- Isidore of Charax, (1914). *The Parthian Stations*. tr. W. H. Schoff. Philadelphia: The Commercial Museum.
- Judith*, Available at 2022: <https://www.newadvent.org/bible/jth001.htm>
- Kent, R. G. (1950). *Old Persian, Grammar, Texts, Lexicon*. New Haven: American Oriental Society.
- Kruger, J. (1856). *Geschichte der Assyrier [Assyrer] und Iranier vom 13ten bis zum 5ten Jahrhundert vor Christus*. Frankfurt: Verlag von Heinrich Ludwig Brönnner.
- Lanfranchi, G. B. (1995). "Assyrian geography and Assyrian letters: the location of Hubuskia again". in *Neo-Assyrian geography*. ed. M. Liverani. Rome: Università di Roma. pp: 127-137.
- Lanfranchi, G. B. & Parpoka, S. (1990). *The Correspondence of Sargon II, Part 2: Letters from the Northern and Northeastern Provinces*. Helsinki: Neo-Assyrian Text Corpus Project.
- Leichty, E. (2011). *The Royal Inscription of Essarhaddon, King of Assyria (680-669 BC)*. Winona Lake: Eisenbrauns.
- Lenfant, D. (1996). "Ctésias et Hérodote, ou les réécritures de l'histoire dans la Perse achéménide". *Revue des Études Grecques*. Vol. 109, pp : 348-380.

- Levine, L. D. (1972). *Two Neo-Assyrian Stelae from Iran*. Toronto: Royal Ontario Museum.
- Levine, L. D. (1974). "Geographical studies in the Neo-Assyrian Zagros II". *Iran*. Vol. 12, pp: 99-124.
- Levine, L. D. (1977). "East-west trade in the late iron age: A view from the Zagros". in *Mountains and Lowlands: Essay in Archaeology of Greater Mesopotamia*. Malibu: Undena Publications. Pp: 135-151.
- Liebig, M. (1991). "Zur Lage einer im Bericht über den 8, Feldzug Sargon II, von Assyrien genannter Gebiete". *Zeitschrift für Assyriologie und Vorderasiatische Archäologie*. Vol. 81, pp: 31-36.
- Llewellyn-Jones, L. & Robson, J. (2010). *Ctesias's History of Persia, Tales of the Orient*. London & New York: Routledge.
- Luckenbill, D. D. (1927). *Ancient Records of Assyria and Babylonia*. Vol. 2. Chicago: University of Chicago press.
- Medvedskaya, I. N. (1999). "Media and its Neighbours I: The Localization of Ellipi". *Iranica antiqua*. Vol. 34, pp: 53-70.
- Medvedskaya, I. N. (2002). "Were the Assyrians at Ecbatana?". *The International Journal of Kurdish Studies*. Vol. 16, No. 1-2, pp: 45-57.
- Millard, A.R. (1994). *The Eponyms of the Assyrian Empire 910-612 B.C.* Helsinki: Neo-Assyrian Text Corpus Project.
- Novotny, J. & Jeffers, J. (2018). *The Royal Inscriptions of Ashurbanipal (668–631 BC), Aššur-etel-ilāni (630–627 BC), and Sîn-šarra-iškun (626–612 BC), Kings of Assyria*. Part 1. Winona Lake: Eisenbrauns.
- Parpola, S. (1970). *Neo-Assyrian Toponyms*. Kevelaer: Butzon & Bercker GmbH.
- Parpola, S. & Porter, M. (2001). *The Helsinki atlas of the Near East in the Neo-Assyrian period*. Helsinki: Neo-Assyrian Text Corpus Project.
- Polybius, (1925). *The Histories of Polybius*, in the Loeb Classical Library Edition, available at 2022:
https://penelope.uchicago.edu/thayer/e/roman/texts/polybius/10*.html
- Rawlinson, H. C. (1840). "Memoir on the Site of the Atropatenian Ecbatana". *The Journal of the Royal Geographical Society of London*. Vol. 10, pp: 65-158.
- Reade, J. E. (1978). "Kassite and Iranians in Iran". *Iran*. Vol. 16, pp: 137-143.

- Reade, J. E. (1979). "Hasanlu, Gilzanu and related considerations". *Archäologische Mitteilungen aus Iran Berlin*. No. 12, pp: 175-181.
- Salvini, M. (1982). "Forschungen in Azerbaidjan, Ein Beitrag zur Geschichte Urartus". in *Vorträge gehalten auf der 28. Rencontre Assyriologique Internationale in Wien, 6.-10. Juli 1981*. eds. H. Hunger & H. Hirsch. Horn: Verlag Ferdinand Berger & Söhne, pp: 384-394.
- Starr, I. (1990). *Queries to the Sungod, Divination and politics in Sargonid Assyria*. Helsinki: Helsinki University Press.
- Streck, M. (1900). "Das Gebiet der heutigen Landschaften Armenien, Kurdistan und Westpersien nach den babylonisch-assyrischen Keilschriften". *Zeitschrift für Assyriologie und Vorderasiatische Archäologie*. Vol. 13, pp: 257-382.
- Tadmor, H. & Yamada, S. (2011). *The Royal Incriptions of Tiglat-Pileser III (744-727 BC) and Shalmaneser V (726- 722 BC)*. Vol. 1. Winona Lake: Eisenbrauns.
- Tavernier, J. (2007). *Iranica in the Achaemenid Period (ca. 550-330 B.C.)*. Leuven: Peeters Publishers & Department of Oriental Studies.
- Thureau-Dangin, F. (1912). *Une relation de la huitième campagne de Sargon*. Paris : Musée du Louvre.
- Turley, J. & Souza, G. B. (2017). *The Commentaries of D. García de Silva y Figueroa on his Embassy to Shāh 'Abbās I of Persia on Behalf of Philip III, King of Spain*. Leiden: Brill.
- Vallat, F. & Groneberg, B. (1993). *Les noms géographiques des sources suso-élamites*. Wiesbaden : Dr Ludwig Reichert.
- Vera Chamaza, G. W. (1994). "Der VIII, Fekzug Sargon II, Eine Untersuchung zu politik und historischer Geographie des späten 8. Jhs, v. Chr. 1". *AMI FT*. Vol. 27, pp : 91-118.
- Weiershäuser, F. & Novotny, J. (2020). *The Royal Inscriptions of Amēl-Marduk (561–560 BC), Neriglissar (559–556 BC), and Nabonidus (555–539 BC), Kings of Babylon*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Winckler, H. (1889). *Die Keilschrifttexte Sargons nach den Papierabklatschen und Originalen neu herausgegeben*. Leipzig: Verlag von Eduard Pefiffer.
- Zadok, R. (1976). "On the connections between Iran and Babylonia in the sixth century BC". *Iran*. Vol. 14, pp: 61-78.

Zadok, R. (1985). "Zur Geographie Babyloniens während des sargonidischen chaldäischen achämenidischen hellenistischen Zeitalters". *Die Welt des Orients*. Vol. 16, pp: 19-79.

Zadok, R. (2002). *The Ethno-linguistic Character of Northwestern Iran and Kurdistan in the Neo-Assyrian Period*. Tel Aviv: Archaeological Center Publications.

Zawadzki, S. (2011–2012). "Umman-manda Revisited". *State Archives of Assyria Bulletin*. Vol. 19, pp: 267- 278.

Zimansky, P. (1985). *Ecology and Empire, The structure of the Urartian state*. Chicago: Oriental Institute of the University of Chicago.

Zimansky, P. (1990). "Urartian Geography and Sargon's Eighth Campaign". *Journal of Near Eastern Studies*. Vol. 49, No. 1, pp: 1-21.

From Sagbita to Hagmatāna; The Royal Cities of Medes

Sorena Firouzi*

Zohre Jozi**

Muhammad Amin Sa'adat Mehr***

Abstract

When Shamshi-Adad V, the powerful king of Assyria and the successor of Shalmaneser III, overcame his brother's revolt, a new world of people and eastern settlements appeared before him and his army. Among these peoples, the Medes and their royal city, Sagbita, have determined one of the most interesting martial fates in the history of the western plateau of Iran. With the victory over this city, the king of Assyria was able to gain a great territory and thus, after his father, he became the founder of the era of plunder of Median people in the next two centuries. What happened to the royal city of Sagbita in the ninth century BC, and whether there was a connection between it and Ecbatana in the Greek texts and Hagmatāna in the inscription of Darius I in Behistun, is the aim of this research. Also, the relationship between the historical and mythological content of texts related to the emergence of this city is a topic that this study has addressed. The present article shows that although geographically there is no similarity between Sagbita and Bitī-Sagbat with Hagmatāna, the name and memory of the two, as well as the proximity of their geographical boundaries, gave rise to Hagmatāna or Ecbatana in the next century.

Key words: media; Hagmatāna; archaeomythology; Assyria; Sagbita.

* Ph.D. Student in historical Archaeology, Department of Archaeology, Faculty of Art and Architecture, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. (corresponding author). Sorena.firouzi@gmail.com

** Assistant Professor in Archaeology, Department of Archaeology, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. jozi@hamoon.usb.ac.ir

*** Ph.D. Student in historical Archaeology, Department of Archaeology Faculty of Art and Architecture, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. Ma.saadatmehr@gmail.com